

## پیشگفتار

بیش از سی سال از تجربه دانشگاه امام صادق علیه السلام می‌گذرد. این دانشگاه در اولین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در پاسخ به نیازهای گریزناپذیر این انقلاب، به همت و مساعی بی‌دریغ حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمته الله علیه تأسیس شد. اسلامیت نظامی که به گونه‌ای اسلامی تشکیل شده است، متوقف برداشتن برنامه‌ای برآمده از اسلام و مجریان و مسئولانی آگاه به مبانی اسلامی است و بدون این دو امر، حکومت اسلامی به مرور از درون تهی شده و به سوی حکومتی که صرفاً ظواهری اسلامی دارد حرکت خواهد کرد. بیشترین چیزی که در سال‌های اول از این دانشگاه انتظار می‌رفت تعلیم و تربیت دانش‌آموختگان آشنا و مؤمن به معارف دین مبین اسلام و همچنین آگاه به علوم انسانی و اجتماعی روز دنیا بود. در سه دهه گذشته، دانش‌آموختگان دانشگاه امام صادق علیه السلام با توشه‌ای که از خرمن عالم اخلاق، فقیه و اصولی کم‌نظیر، مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمته الله علیه برچیده بودند و با تسلطی که بر مبانی اسلامی و علوم اجتماعی یافته بودند در بخش‌های مختلف کشور مشغول به خدمت شدند و سعی نمودند تا حدی نیازهای انقلاب و ایران اسلامی را برآورده کنند.

با گذشت زمان و تعمیق و تفصیل نیازهای انقلاب اسلامی، از سویی، شدت نیاز به نیروی انسانی قدری کاهش یافت و از سوی دیگر، نیاز به تولید علوم انسانی و اجتماعی متناسب با تعالیم و آموزه‌های قرآن و سنت شدت گرفت. مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمته الله علیه که در سیره علمی، عملی، و مدیریتی خود توجه به «نیازهای روز» جامعه اسلامی را سرلوحه کوشش‌های خود قرار داده بودند، در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از دیدار دانش‌جویان و اساتید دانشگاه امام صادق علیه السلام با مقام معظم رهبری، مد ظله العالی، وزن و اهمیت بیشتری را به موضوع تولید علم و مرجعیت علمی اختصاص دادند.

آنان که دانشگاه امام صادق علیه السلام و دانش‌آموختگان آن را می‌شناسند به خوبی می‌دانند که ظرفیت تربیتی و علمی این نهاد برآمده از انقلاب اسلامی، بسیار بیش از دستاوردهای موجود آن است. دانشگاه امام صادق علیه السلام در بین دانش‌آموختگان خود افرادی مستعد و توانمند برای پیگیری و پیشبرد مسیر طولانی و سخت علمی را تربیت می‌کند. اما این افراد، پس از دانش‌آموختگی، مسیر و جایگاهی را برای پیگیری دغدغه‌ها و به ثمر نشاندن همت‌های خود نمی‌یابند. با اینکه تعداد زیادی از این دانش‌آموختگان کوشای دانشگاه، سال‌های تحصیل را در فهم علوم اسلامی و تتبع در حوزه‌های تخصصی علوم اجتماعی طی می‌کنند و در پایان‌نامه‌های پژوهشی خود، ظرفیت شخصیتی و فکری خود را برای ادامه این مسیر به اثبات می‌رسانند، با مسیرها و سازمان‌ها، اعم از علمی یا اجرایی، مواجه می‌شوند که با دغدغه‌هایی به نسبت بسیار سطحی‌تر، پاسخ‌گویی به نیازهایی دیگر را بر آن‌ها تحمیل می‌نماید.

به نظر می‌رسد همان‌گونه که پاسخ‌گویی به نیازهای دهه‌های قبل انقلاب اسلامی چندان از طریق الگوهای دانشگاهی و حوزوی مرسوم اثربخش و موفق نبود و مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمته الله علیه عمر خود را در ایجاد الگویی جدید صرف کرد، پیگیری و ثمردهی نیاز به تولید علم و مرجعیت علمی نیز، با تبعیت و تقلید از الگوهای قدیمی و مرسوم پژوهشی ممکن نباشد. از سویی دانش‌آموختگان دانشگاه برای تمرکز و تأمل بر نیازهای علمی کشور و تولید دانش و نرم‌افزارهای مطلوب راهی زمان‌بر، طولانی و پرپیچ‌وخم پیش رو دارند و از سوی دیگر نظام اجرایی و علمی کشور که سال‌ها از نرم‌افزارهای موجود و مرسوم غربی کپی برداری کرده است به آماده‌خوری، هزینه نکردن خو کرده است. از یک طرف، برای تولیدات و محصولات علوم انسانی اسلامی دانش‌آموختگان دانشگاه، تقاضایی وجود ندارد و از طرف دیگر برای نیازهای پیچیده و با عجله کشور، عرضه‌ای موجود نیست.

همین دغدغه تنی چند از فرزندان مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمته الله علیه را بر آن داشته است تا با طراحی مرکزی، موسوم به مرکز رشد، گامی در مسیر حل این چالش بردارند. مرکز رشد، هم برای حل معضلات پیش‌گفته و هم به منظور ابتنا بر اندیشه‌های تربیتی و مدیریتی اسلام، لازم بوده است تا الگوهای جدید سازمانی و تعامل علمی و تربیتی را طراحی و اجرا نماید که این مجمل، مجال بسط و تشریح آن نیست. مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام برای پاسخ‌گویی به نیازهای پیش‌گفته در علوم انسانی و اجتماعی، راهی جز تربیت، حفظ،

و معرفی «نظریه‌پردازان» علوم انسانی و اجتماعی اسلامی سراغ ندارد و این تربیت، حفظ، و معرفی را چیزی بسیار بالاتر و متعالی‌تر از حمایت‌ها یا استخدام‌ها یا پروژه‌های پژوهشی مرسوم می‌شمارد. از آنجایی که حل مسائل انقلاب اسلامی، علاوه بر نوآوری و نظریه‌پردازی در حوزه تخصصی علوم انسانی اسلامی، نیازمند اقدام عینی و جمعی است، مسیر طراحی شده مرکز رشد برای تحقق این مهم، شبکه‌سازی و تشکیل حلقه‌ها و هسته‌های علمی مسئله‌محور در راستای تحقق مأموریت یاران مرکز است.

در این میان، جمعی از اساتید و اعضای مرکز رشد، که عمدتاً در دوران دانشجویی خود از خدام هیئات میثاق با شهدا نیز بوده‌اند، در پی دغدغه‌کاریست حداکثری ظرفیت‌های این نهاد مقدس، قدم به عرصه پژوهش‌های علمی و کاربردی در حوزه مجالس حسینی گذاشته و با فهم اهمیت اهتمام به فعالیت‌های جمعی در مسیر نیل به اهداف پژوهشی در حوزه هیئات مذهبی در این حوزه اقدام به راه‌اندازی «هسته علمی احیای امر» در بستر مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام نموده‌اند تا با تشریک مساعی و به صورت هدفمندتر و منسجم‌تر از گذشته فعالیت‌های خود را دنبال نمایند.

هسته علمی احیای امر مأموریت بنیادین خود را «پردازش نظری و جریان‌سازی عملی در جهت تحقق هیئت‌الگو در نظام تمدنی شیعه» قرار داده است. توضیح آنکه این هسته در پی آن است که با توجه به نقش راهبردی هیئات مذهبی و عزاداری سیدالشهدا علیه السلام در شکل‌گیری، استمرار، و حفظ انقلاب اسلامی تا ظهور منجی عالم بشریت عجل الله تعالی فرجه الشریف و اهمیت آن در زمینه‌سازی برای تحقق ظهور به بررسی این پدیده بپردازد و در بالندگی آن مؤثر باشد.

اعضای هسته احیای امر، به منظور تحقق این امر، تلاشی نظام‌یافته و مستمر را در سه حوزه اساسی دنبال می‌کنند؛ مطالعه و پژوهش، ترابط با مؤثران، انتشار و ترویج. ماحصل این «مطالعه، ترابط، و ترویج» باید پیراستن هیئات مذهبی از هرگونه ناخالصی و تقویت و بهبود قوت‌ها و برجستگی‌های منحصر به فرد آن‌ها باشد. امید آنکه این جریان زمینه‌ساز تحقق تمدن نوین اسلامی باشد.



## مقدمه

عاشورا گلوگاه تاریخ است. از هر سو تاریخ را مطالعه کنی بی‌گمان از کربلا عبور خواهی کرد. کربلا را اما نباید مطالعه کرد که باید لمس کرد؛ باید چشید. کربلا را باید تا اینجا که ایستاده‌ایم امتداد داد تا هر روزمان عاشورا باشد. کربلا را باید زندگی کرد. اما چگونه؟ چگونه کربلایی باشیم وقتی یک دنیا بین ما و حسین علیه السلام فاصله است؟! چگونه عاشورایی باشیم وقتی گردوغبار زرق و برق‌های دنیایی، بر قلب‌هایمان نشسته است؟!!

هیئت آنجایی است که دنیای ما و دنیای حسین بن علی علیه السلام به هم گره می‌خورد. هیئت صحنه کربلا را در مقابل چشمان ما بازنمایی می‌کند. هیئت ما را پای درس حسین بن علی علیه السلام می‌نشانند تا «بابا ایستاد»، «بابا برای خدا ایستاد»، «بابا تشنه ماند»، «بابا برای خدا شهید شد»، و هزار حرف دیگر را مشق عشق کنیم. هیئت دو روی سکه عاشورا، یعنی مرثیه و حماسه را به وضوح نمایش می‌دهد. هیئت «کُلُّ یَوْمٍ عاشورا و کُلُّ أرضٍ کربلا» را در گوشمان نجوا می‌کند و صف‌بندی همیشگی حق و باطل را مدام به یادمان می‌آورد. هیئت کربلا را به داخل زندگی‌مان می‌کشاند، شمشیردستان می‌دهد، و می‌گوید در راه حسین علیه السلام تا پای جان مبارزه کن. هیئت ما را از مقام «یا حسین گفتن» به مقام «با حسین بودن» ارتقا می‌دهد. هیئت پدیده‌ای است درخور مطالعات عمیق و پژوهش‌های فراوان تا زوایای گوناگون آن بیش از پیش بر ما روشن شود و آن‌گونه که شایسته است از ظرفیت فراوان آن بهره‌مند شویم.

## چرا امام خمینی رحمة الله علیه؟

در میان سیل عاشقان و دلدادگان، به این اقیانوس بی‌کران وارد شدیم تا نمی‌ازیم را بگوئیم. اما در جست‌وجوی آنکه کدام زبان تواناست تا سرّان را بیان کند، کسی را جز خمینی کبیر رحمة الله علیه نیافتیم.

امام امت عجله الله له، که کلام و پیامش همواره چراغ راه رهپویان این مسیر بوده است، نه تنها ولی فقیه و مرجع تقلید شیعیان جهان، بلکه فیلسوفی تمام عیار و عارفی واصل نیز بوده‌اند. نظرات چنین شخصیت جامع‌الاطرافی آنگاه که در مقام تبیین موضوعی قرار می‌گیرد از چنان غنایی برخوردار است که تکیه‌گاهی مورد اعتماد و اطمینان می‌گردد برای آنان که پای در مسیر گذاشته‌اند. علاوه بر این ویژگی‌ها، دو دلیل دیگر باعث شد تا «مجالس عزاداری و هیئات» در اندیشه ایشان مورد مطالعه قرار گیرد:

۱. امام خمینی عجله الله له به شدت یک «هیئتی» بوده و مقید بوده‌اند که در جلسات روضه حتی به صورت هفتگی شرکت کنند و این موضوع به کرات در خاطراتشان مشهود است. این مسئله به قدری در ذهن امام عجله الله له جدی است که حتی در کتاب تماماً عرفانی مصباح الهدایة إلى الخلافة و الولاية، آن‌گاه که در بیان موضوعی از لقب «رحمة للعالمین» رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن به میان می‌آورند، بلافاصله در پاورقی موضوع روضه ابا عبد الله علیه السلام را پیش می‌کشند:

به یاد دارم که در ایام صباوت با جده‌ام، که باران رحمت بر او هردمی، به مجلس روضه خوانی می‌رفتم. حال و هوای آن روزگار چیز دیگر و خلوص آن مردم حیرت‌آور بود. ذاکرین سیدالشهدا، علیه و علی أصحابه المُستَشْهِدینَ بَینَ یدَیهِ مِنَ الصَّلواتِ اَزْکَاهَا و مِنَ التَّحیاتِ اَنْمَاهَا، که در عرشه منبر قرار می‌گرفتند، بعد از ذکر بسمله، به این جمله دلنشین «یا رَحْمَةَ اللَّهِ الواسِعَةِ یا بَابَ نَجَاتِ الْأُمَّةِ» با إخلاص تمام مترنم می‌شدند. سال‌ها پس از آن نیز، در دوران جوانی، در طهران، هفته‌ای یک شب، در خدمت مرحوم استاد الأساتید آقا میرزا مهدی آشتیانی، قَدَسَ اللَّهُ رَوْحَهُ، به مسجد «حوض» (که پیش‌نماز آن مسجد به آقا سید محمدباقر مسجدحوضی شهرت داشت و مردی شریف و بزرگوار بود) می‌رفتم. در این مجالس مرد سالخورده مؤثری، که قدی بلند و خمیده داشت، قبل از افادت و افاضت<sup>۲</sup> مرحوم میرزا، ذکر مصیبت می‌کرد. آقا میرزا مهدی، پس از استماع روضه او، به افاده می‌پرداخت و معمولاً با طرح دو سه مسئله فقهی صحبت خود را آغاز می‌کرد و سپس به تدریس اصول عقاید می‌پرداخت. در آن زمان عده‌ای

۱. بهترین سلام و درودها بر او و بر اصحاب او که در مقابلش به شهادت رسیدند.

۲. به فیض رساندن.

از تجار علاقه به شرکت در این‌گونه مجالس نشان می‌دادند و با اشتیاق تمام به مطالب مرحوم آقا میرزا مهدی در معارف اسلامی، که به طریق ارباب معرفت و ذوق بیان می‌کرد، گوش می‌سپردند. بعدها، روزهای جمعه هرهفته، در منزل مرحوم جام‌ساز رشتی این مجلس منعقد می‌شد و آن مرد کهن سال مانند گذشته در این مجالس شرکت می‌کرد و قبل از بیانات آقا میرزا مهدی به نوحه‌سرایی می‌پرداخت. و همچون گذشته بسیار مورد توجه و احترام حضار بود. از مرحوم حاج میرزا تقی آجیلی (که از تجار محترم بازار طهران بود و بعدها بین ایشان و بنده دوستی‌ای عمیق برقرار شد) نام آن پیرمرد را پرسیدم. گفت نامش «ضیاء خراسانی» و مشهور به «شیخ حسن رثائی» است و آقای میرزا برای او احترام خاصی قائل است. یک بار هنگام مراجعت از مسجد حوض نگارنده به آقای آشتیانی عرض کرد که هر کس صدای دلنشین و رسای آقا شیخ حسن را بشنود خیال می‌کند این صدای کسی است که سی سال عمر دارد، نه شخصی که حدود هشتاد سال از سنش گذشته است. مرحوم میرزا فرمودند او استاد بی‌مانند در آواز و ضربی‌های قدیم است و بسیاری از اساتید آواز ایرانی شاگرد ایشان بوده‌اند.<sup>۱</sup>

۲. امام خمینی رحمته‌الله علیه، در مقام رهبری جامعه، برای هدایت مبارزات انقلاب، همه‌توان مبلغان دینی و مجالس عزاداری را، به‌ویژه در ایام محرم و صفر، به کار گرفتند و توانستند با کمک عزای سیدالشهدا علیه‌السلام و آموزه‌های نهضت او انقلاب اسلامی را به پیروزی برسانند. پس از تحقق پیروزی نیز از ظرفیت هیئات غافل نشده و همواره آنان را برای پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی تشویق و ترغیب کرده‌اند. ایشان معتقد بودند هدف امروز جمهوری اسلامی همان هدفی است که سیدالشهدا علیه‌السلام مد نظر داشت، فلذا به‌هیچ‌وجه نباید عاشورا را از خاطر برد و در مقابل جریان‌هایی که در پی فراموشی عاشورا هستند باید با تمام قوا ایستاد. این را من باز هم گفته‌ام اگر سانسور نشود! و اگر سانسور بشود، ممکن است من یک کار دیگر بکنم. اسلام را تا حالایی که شما می‌بینید اینجا ما نشسته‌ایم سیدالشهدا علیه‌السلام زنده نگاه داشته است.<sup>۲</sup>

۱. مصباح الهدایة إلى الخلافة والولاية، مقدمه، ص ۱۳۲.

۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۱۳، سخنرانی در جمع مردم و عشایر، ۳۰/۰۷/۱۳۵۸.

بر همین اساس امام خمینی رحمته الله علیه در دیدارهای مختلف و به بهانه‌های متفاوت به صحرای کربلا گریز زده‌اند و سعی کرده‌اند ارتباط گروه‌های مختلف را با عاشورا و سیدالشهدا علیه السلام برقرار کرده و اثرگذاری آنان را با اتصال به این منبع فیض افزایش دهند.

### چه مسیری طی شد؟

پس از جست‌وجو در آثار امام خمینی رحمته الله علیه، توانستیم فیش‌هایی ناظر به موضوع واقعه عاشورا و مجالس عزاداری در کلام امام خمینی رحمته الله علیه بیابیم. فیش‌های نهایی مشتمل شد بر بخشی از وصیت‌نامه سیاسی-الهی امام خمینی رحمته الله علیه، ۷۶ سخنرانی، ۳۲ پیام و مطالبی از کتاب‌های ایشان. برخی از این منابع به طور خاص در رابطه با اهل منبر و روضه و هیئات شاخص یا درباره ماه محرم و قیام سیدالشهدا علیه السلام بوده و یا اینکه به فراخور موضوعی از واقعه عاشورا سخن به میان آمده است.

پس از ماه‌ها مطالعه و مباحثه حول این مطالب، به ساختاری در اندیشه امام رحمته الله علیه دست یافتیم که سیر محتوایی آن و نحوه چینش فصول این کتاب براساس آن سیر، نیازمند توضیح مختصری است.

### نظام محتوایی کتاب

کتاب «هیاهو» در جهت تبیین اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه در موضوع مجالس عزاداری و هیئات در شش فصل نظام یافته است.

**فصل اول:** تبیین اهمیت موضوع مجالس عزاداری به عنوان جزئی از نظام اسلامی که جایگاه، اهمیت، نقش، و کارکرد آن به خوبی فهم نشده و همواره گرفتار نگاه‌های جانبدارانه بوده است، اما با وجود بی‌مهری‌های بسیار جای خود را در وصیت‌نامه امام خمینی رحمته الله علیه باز کرده و بر آن تأکید می‌شود.

**فصل دوم:** فلسفه قیام سیدالشهدا علیه السلام در اندیشه امام رحمته الله علیه، حفظ اسلام بوده است. اسلام وارونه جلوه داده می‌شد اگر او قیام نمی‌کرد و دیگر نام و نشانی از آنچه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله برای آن مبعوث شده بود باقی نمی‌ماند. بنابراین برخاستند و تا شهادت خویش و اسارت خاندان خود پیش رفتند. وظیفه اصلی و اساسی هیئات و مجالس عزاداری نیز امتداد همین



خط فکری در میان مردم است. مجالس عزاداری و هیئات، اجتماعی انسانی هستند در کنار سایر اجتماعات مثل حج، نماز جمعه، نماز عیدین و ... لکن ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که دامنه اثر آن‌ها را متمایز خواهد کرد. شور و هیاهوی این مجالس نقطه تمایز آن با سایر اجتماعات است. انسان نسبت به شادی و غم انسانی که او را دوست می‌دارد واکنش‌های عاطفی و احساسی طبیعی‌ای دارد. همین واکنش طبیعی نسبت به مصائبی که ائمه اطهار علیهم‌السلام و به ویژه سیدالشهدا علیه‌السلام متحمل شده‌اند در سطح عالی‌تری بروز کرده است تا آنجا که در طول تاریخ، مجالس عزاداری فراوانی را در بوم‌ها و فرهنگ‌های مختلف و ملل گوناگون، سامان داده و دسته‌جات متعدد عزاداری را به کوچه و خیابان کشانده است. اساساً همین شور و هیاهو است که باعث نقش‌آفرینی جدی این مجمع دینی می‌شود و بدون آن اثر ویژه‌ای بر جامعه نخواهد داشت.

**فصل سوم: مجالس عزاداری، کارخانه انسان‌سازی هستند.** هرانسان در هیئت با سیدالشهدا علیه‌السلام ارتباط برقرار می‌کند و در سایه تعالیم ایشان، شخصیت خویش را رشد می‌دهد؛ تا جایی که نمونه برجسته تربیت‌یافتگان مجالس عزاداری شهدا خواهند بود. شهید نمونه تمام‌عیاری از انسان‌سازی حسینی است.

**فصل چهارم: مجالس عزاداری نقش مهمی در جامعه‌سازی برعهده دارند.** هیئت یک اجتماع دینی است. جمعی از انسان‌ها گرد هم می‌آیند، یک اراده جمعی تحقق می‌یابد، و حرکتی جمعی بر اساس آن رخ می‌دهد. هیئات مانند هسته‌های کوچک مقاومت هستند که در کوچه‌ها و محلات جامعه پراکنده‌اند. هوشیاری نسبت به برنامه‌های دشمن و نوع موضع‌گیری در برابر آن‌ها، که در مجالس عزاداری و با درس‌آموزی از جریان عاشورا اتفاق می‌افتد، یک بسیج عمومی و هماهنگی ملی ایجاد می‌کند و جامعه را به میدان مبارزه می‌کشاند.

**فصل پنجم: انقلاب اسلامی یک نمونه موفق از انسان‌سازی و جامعه‌سازی حسینی و هماهنگی ملی بر اساس جریان عاشورا و نهضت سیدالشهدا علیه‌السلام است.** در این فصل، نقش مجالس عزاداری و هیئات به عنوان یک عنصر برجسته در پیروزی انقلاب، در روزهای منتهی به پیروزی و سپس وظایف آنان در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی بررسی می‌شود.

**فصل ششم: امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در مقام مرجع تقلیدی که ولی فقیه جامعه نیز هستند به سؤالات گوناگون مردم در حوزه مجالس عزاداری پاسخ‌هایی داده‌اند.**

## ساختار تدوین و تألیف

سه دسته از آثار حضرت امام عجل الله تعالی فرجه در نگارش کتاب مورد استفاده قرار گرفته است: ۱. بیانات و سخنرانی‌ها؛ ۲. پیام‌های مکتوب؛ ۳. کتب. تفاوت ادبیات این آثار کار را برای نگارش دشوار می‌کرد. با توجه به این مسئله و با مشورت‌های فراوان، سرانجام الگوی نگارش کتاب، روش تفسیر امام به امام انتخاب شد. سعی بر این بود که نظام محتوایی استخراج‌شده از بیانات امام خمینی عجل الله تعالی فرجه توسط سخنان خود ایشان تحلیل شده و نگارنده کمترین دخالت را در تألیف متن داشته باشد. تلاش نگارنده بر این بوده است که متن اصلی کتاب به صورت سوم‌شخص نگاشته شود، اما به جهت تفاوت ادبیات در میان سه دسته آثار امام عجل الله تعالی فرجه، تلفیق و ترکیب آنان، مشکلاتی را پدید می‌آورد و سطور کتاب گاهی به اجبار از آن اسلوب خارج شده است. راه‌حلی که برای این مسئله یافت شد چنین بود که برخی از عبارات حضرت امام عجل الله تعالی فرجه، که به متن کتاب مربوط بوده و شاهد مثالی برای عبارات پیشین است، اما از ساختار متن فاصله دارد، به صورت نقل قول مستقیم بیاید. در نتیجه متن کتاب به طور کلی با عبارات حضرت امام عجل الله تعالی فرجه قوام یافته است؛ لکن برخی از عبارات در متن اصلی و برخی به صورت نقل قول مستقیم آمده‌اند؛ اگرچه مطالبی نیز به قلم نگارنده نوشته شده است که در آن‌ها نیز بیانات امام عجل الله تعالی فرجه مبنا و اصل بوده‌اند.

از آنجا که زمانه بین ما و امامان فاصله انداخته و سالهاست که صدا و تصویر او به هر دلیلی، کمتر دیده و شنیده می‌شود، بر آن شدیم تا بخشی از سطور کتاب را نیز از لسان مبارک خود آن امام عجل الله تعالی فرجه بشنویم. در همین راستا در برخی از صفحات، مطالب کتاب را QRcode هایی همراهی می‌کند که خواننده محترم می‌تواند آن‌ها را اسکن نموده و با پخش صوت و یا تصویر امام عجل الله تعالی فرجه، خود را در محضر امام عجل الله تعالی فرجه بیابد.

و دیگر آنکه نمی‌تواند کتابی از فضیلت و اهمیت عزاداری سیدالشهدا علیه السلام سخن بگوید اما رنگ و بوی روضه و توسل نداشته باشد. به همین دلیل پایان بخش فرمایشات حضرت امام عجل الله تعالی فرجه در هر فصل، ذکر توسلی است از مرحوم کوثری عجل الله تعالی فرجه که حسینی‌ه جماران آکنده از نوای ملکوتی اوست.

## سخن آخر

تدوین و تألیف چنین کتابی، پس از توفیق الهی و اذن حضرت سیدالشهدا علیه السلام و امام خمینی رحمته الله علیه، بی شک نتیجه تلاش و همت جمعی از افراد است که نام نگارنده به عنوان نماینده آنان بر جلد کتاب نقش بسته است. بنابراین لازم است از زحمات مخلصانه یاران مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام به ویژه اعضای هسته احیای امراین مرکز- آقایان دکتر سید ابوالحسن حسینی، سید محمدحسین میرهادی، محمدامین علی احمدی، محسن خلیل آزاد - که لحظه لحظه تدوین با همفکری و هم‌زبانی و همدلی آنان پیش رفته و اگر نبودند اکنون این کتاب پا به عرصه وجود نگذاشته بود، تشکر و قدردانی صورت پذیرد.

علاوه بر این باید از گروهی که دست به دست هم دادند تا کتاب به صورت چندرسانه‌ای عرضه شود سپاسگزار بود؛ سازمان صدا و سیما و مجموعه سایت جامع امام خمینی رحمته الله علیه (Emam.com) که برای تهیه فیلم‌های بیانات حضرت امام رحمته الله علیه یاری‌مان کردند و بخش «آوای رشد» مرکز رشد که با همدلی تمام در آماده‌سازی قطعات صوتی و تصویری، مجاهدانه و بی‌دریغ زحمت کشیدند.

در نهایت نیز باید از مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، به ویژه جناب آقای محمدعلی انصاری، همچنین حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و انتشارات سوره مهر، به ویژه آقایان محسن مؤمنی شریف و عبدالحمید قره‌داغی، که مخلصانه و مجاهدانه زحمات فراوانی را متحمل شدند تا این کتاب به نقطه اثر خویش برسد، قدردان و سپاسگزار بود.

پایان بخش آغاز این کتاب توصیه‌ای است به تمام آنان که به حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام عشق می‌ورزند؛ آن هم توصیه‌ای از زبان مسلم بن عوسجه که رضوان بی‌پایان خداوند بر او و مولایش حسین بن علی علیه السلام.

آن‌گاه که مسلم بن عوسجه، پس از جنگی نمایان، با لبی تشنه و بدنی زخمی و خونین روی خاک کربلا افتاد، سیدالشهدا علیه السلام و حبیب بن مظاهر خود را به بالین او رساندند. حبیب به مسلم گفت: «اگر نمی‌دانستم که تا ساعاتی دیگر به تو ملحق می‌شوم، دوست داشتم تا وصیتی کنی و من با جان و دل برایت انجام دهم.» مسلم تا سخن حبیب را شنید به زحمت دستش را بالا آورد و به سیدالشهدا علیه السلام اشاره کرد و با صدایی ضعیف فرمود:

«وصیت من این مرد است! در راه او تا زمانی که مرگ را در آغوش بگیری مبارزه کن.»<sup>۱</sup>  
سلام و صلوات خداوند بر روان پاک آن حضرت و خاندان و اصحابش که ما  
را از ظلمت جاهلیت به نور اسلام هدایت فرمود.<sup>۲</sup>

سید مهدی سرخان

سالروز ورود امام خمینی علیه السلام به ایران

۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۸

دلربایی همه آن نیست که عاشق بکشند

خواجه آن است که باشد غم خدمتکارش<sup>۳</sup>

---

۱. اللهوف علی قتلی الطفوف، صص ۱۰۶-۱۰۷. ثُمَّ خَرَجَ مُسْلِمٌ بْنُ عَوَسَجَةَ فَبَالَغَ فِي قِتَالِ الْأَعْدَاءِ وَ صَبَرَ عَلَى أَهْوَالِ الْبَلَاءِ حَتَّى سَقَطَ إِلَى الْأَرْضِ وَ بِهِ رَمَقٌ فَمَسَى إِلَيْهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَعَهُ حَبِيبٌ بْنُ مُظَاهِرٍ فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَحِمَكَ اللَّهُ يَا مُسْلِمُ «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى تَحِبُّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ مَا يَدُلُّوا تَبْدِيلًا» وَ دَنَا مِنْهُ حَبِيبٌ وَ قَالَ عَزَّ عَلَيَّ مَضْرَعُكَ يَا مُسْلِمُ أَنْبِشِرْ بِالْحَيَّةِ فَقَالَ لَهُ مُسْلِمٌ قَوْلًا ضَعِيفًا بَشَّرَكَ اللَّهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ حَبِيبٌ لَوْلَا أَنِّي أَعْلَمُ أَيُّ فِي الْأَثَرِ لَأَخْبَبْتُ أَنْ تُوصِيَ إِلَيَّ بِكُلِّ مَا أَهَمَّكَ فَقَالَ لَهُ مُسْلِمٌ فَإِنِّي أَوْصِيكَ بِهَذَا وَ أَشَارَ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَاتِلْ دُونَهُ حَتَّى تَمُوتَ فَقَالَ لَهُ حَبِيبٌ لِأَنْعَمَنَّكَ عَيْنًا ثُمَّ مَاتَ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ؛ سپس مسلم بن عوسجه وارد میدان شد، در مبارزه با دشمن پایداری کرد، و برهول و هراس جنگ شکیبایی نمود تا آن‌گاه که از پای درآمد. هنوز نیمه‌جانی در بدنش بود که حسین علیه السلام به اتفاق حبیب بن مظا هره به بالینش آمد و فرمود: رحمت خدا بر تو باد ای مسلم [در میان مؤمنان، مردانی هستند که بر سرعه‌دی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند؛] بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند) و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغییری و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند. «(احزاب / ۲۳). حبیب در کنار مسلم نشست و گفت: مسلم، برای من بسی دشوار است که جان کندن تو را می‌بینم ولی مژده باد تو را که بهشتی هستی. مسلم با ناله‌ای که حکایت از آخرین ذقایق زندگی‌اش می‌کرد گفت: خداوند شادکامت کند. سپس حبیب به مسلم گفت: اگر نه این بود که من نیز به دنبال تو خواهم آمد، دوست داشتم که آنچه در دل داشتی به من وصیت می‌کردی تا انجامش دهم. مسلم، ضمن اینکه اشاره به حسین می‌کرد، گفت: وصیتم درباره این حضرت است که در یاری‌اش تا سرحد جان‌بازی فدکاری کنی. حبیب گفت: بروی چشمانم! سپس روان پاک مسلم از بدنش بیرون شد، رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ.

۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۴۱، پیام به ملت ایران و پاسداران، ۱۳۵۹/۰۳/۲۶.

۳. حافظ شیرازی.

شيعتي مهمما شريئنا ماء عذب فانكروني

